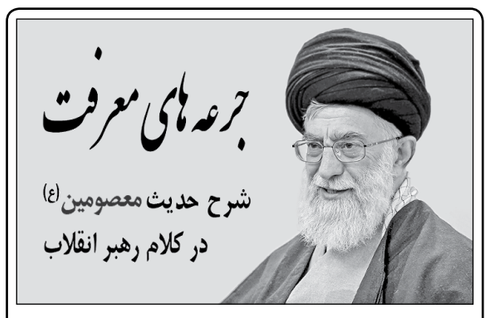

باقیمانده عمر سرنوشت ساز است

عَن الصّادقِ جَعفرِ بنِ محمد(علیهماالسلام) عن اَبیه عنِ آبائه (علیهم‌السلام) قالَ قالَ رسولُ الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَن أحسَنَ فیما بَقِیَ مِن عُمرِه لَم یُؤاخَذْ بِما مَضی مِن ذَنبِه و مَن أساءَ فیما بَقِیَ مِن عُمرِهِ اُخِذَ بِالأوّلِ و الآخِرِ[1]

پیامبر خدا (ص)فرمود: هرکس در باقیمانده عمر خویش کار نیک و توبه عملی کند، به گناهان گذشته‌اش مؤاخذه نشود و هرکس در باقیمانده عمرش گناه و بدی کند، درباره اعمال سراسر عمرش باز خواست شود.

توبه عملی و رجوع از رفتار بد موجب می‌شود که خدای متعال از آنچه که از قبل از او سر زده است از گناهان صرف‌نظر بکند،اما اگر چنانچه انسان در این آخر عمر، در این سال‌های کهولت و پیری و نزدیکی به مرگ، رفتار خود را رفتار خوبی نکرد، آن‌وقت، هم این گناه، هم گناهان قبل به حسابش نوشته می‌شود. بنابراین، این [حدیث] به ما می‌گوید که در هر لحظه‌ای که هستیم، سعی کنیم رفتار را از حالا خوب کنیم. یعنی آنچه که [از عمر ما] باقی مانده است، آن نقد است و در اختیار ما [قرار دارد اما] آنچه که رفت که رفت.

اینکه [گفته شده] «هر چه از عمر انسان باقی مانده» انسان که نمی‌داند [چه زمانی عمرش به پایان می‌رسد]. حالا جوان‌ها خواهند گفت که این حرف‌ها مال پیرمردها است؛ ولی واقع قضیه این است که نه، مال پیرمردها فقط نیست؛ چون جوان‌ها هم معلوم نیست چقدر بناست عمر بکنند. کسی چک تضمینی از خدای متعال نگرفته که حتماً باید فلان قدر عمر کند.

۱) الامالی شیخ صدوق، ص ۱۱۱
شرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۹۴/۲/۲۳
* پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

در محضر امام خمینی (ره)

توصیه امام برای اختلافات زن و شوهر

یکی از دختران امام نقل می‌کردند: در ابتدای ازدواج، خدمت حاج‌آقا(امام) رسیدیم که توصیه‌ای بفرمایند ایشان به بنده فرمودند: اگر شوهرتان ناراحتی داشت به هر دلیلی به شما چیزی گفت، بدسلوکی کرد، شما همان وقت هیچ نگویید، گرچه حق با شما باشد. بگذارید آن حالت عصبانت که فروکش کرد، حرف خود را بزنید. عین همین توصیه را به شوهرم نیز کردند.

بنده وقتی این حرف را شنیدم، در ابتدا خیلی به آن اهمیت ندادم. بعدها که فکر کردم، دیدم انصافا ریشه بسیاری از اختلافات خانوادگی، به همین جای برمی‌گردد. لذا از آن به بعد، هر وقت کسی از من توصیه‌ای درباره مسائل خانوادگی خواسته است همین سفارش حضرت امام را گفته‌ام.

(حجت‌الاسلام محمدحسن مرتضوی لنگرودی.پا به پای آفتاب، ج ۴ ص ۱۴۰)

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

استطاعت حج و مخارج فرزندان

س: کسی که حدود ده سال پیش برای حج ثبت‌نام کرده و امسال نوبت او فرا رسیده، لکن برای خرید جهیزیه دخترش نیازمند آن مبلغ هست و امرش دائر بین یکی از این دو خرج است (برای هر کدام خرج کند، دیگری را نمی‌تواند تامین کند) وظیفه‌اش چیست؟ می‌تواند جهیزیه دخترش را تامین کند و حج را به سال‌های آتی در صورت استطاعت موکول کند؟

ج: اگر مخارج ازدواج فرزندتان جزء مخارج عرفی فعلی شما باشد و پول یاد شده برای انجام حج و ازدواج کفایت نکند و قبلا حج بر شما مستقر نشده باشد، حج واجب نیست.

سبقت و شتاب در فعالیت‌های خیر اجتماعی از دیدگاه قرآن

محمود پسندیده

جامعه قرآنی فراتر از عدالت عقلانی بر مبنای احسان و اکرام اخلاقی شکل می‌گیرد، لذا هر یک از افراد جامعه نه تنها بر محور عدالت با یکدیگر تعامل سازنده دارند، بلکه در مرتبه احسان و اکرام به بخشش و ایثار از حقوق طبیعی خود اقدام می‌کنند و با پرهیز از استئثار (خودبرگزیدگی)، دیگران را مقدم می‌دارند و در کارهای خیر پیشگام شده و از یکدیگر در این امور سبقت می‌گیرند و بر آن هستند تا با شتاب‌گیری نفس‌گیر بتوانند گوی سبقت را از رقیبان بستانند و پیشتاز در امر خیررسانی باشند. در مطلب حاضر اهمیت و ضرورت سبقت‌گیری از هم در کارهای نیک اجتماعی براساس آیات قرآن تشریح شده است.

***

سرعت و سبقت در کارهای نیک اجتماعی

برخی از کارها و فعالیت‌ها، عمومی و عادی است و هر کسی به سادگی از انجام و عهده آن بر می‌آید؛ چرا که رفتاری ساده و بی‌هزینه یا بسیار کم‌هزینه است؛ از جمله این کارهای اجتماعی که کم‌هزینه یا بسیار کم‌هزینه است، سبقت در سلام است؛ زیرا سلام کردن هزینه‌ای ندارد مگر تواضع و فروتنی. با آنکه دستاوردهای بسیار دنیوی و اخروی برای آن بیان شده است که افزایش انسجام اجتماعی و تعاون از جمله آنهاست؛ اما جالب این است که کسانی را می‌توان یافت که نه تنها از سلام کردن و سبقت در سلام ابا دارند، بلکه به سختی حاضر به پاسخ واجب به سلام مستحب دیگران هستند؛ چرا که اگر سلام کردن مستحب است؛ ولی جواب سلام دیگران را دادن واجب شرعی است. خداوند می‌فرماید: وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا؛ و چون به شما درود و زنده‌باد گفته شد، شما به صورتی بهتر از آن درود گویید یا دست‌کم همان را در پاسخ برگردانید که خدا همواره به هر چیزی حسابرس

در آموزه‌های قرآنی توجه ویژه به مسئله دید و بازدید و معاشرت‌های اجتماعی شده است. کسی که زائر است گویی از همه کس و همه چیز دل کنده و به سبب گرایش و میل باطنی قصد دیدار زیارت‌شونده را می‌کند.

است. (نساء، آیه ۸۶) ریشه این نوع رفتار ناهنجار اجتماعی از سوی برخی از افراد جامعه را باید در فقدان تواضع و فروتنی و نوعی حالت تکبر باطنی و رویه استکباری در این افراد جست.

اسلام برای اینکه رفتارهای اجتماعی را در مسیر کمالی ساماندهی کند، قوانین و مقرراتی را در قالب احکام و آداب اجتماعی وضع کرده است. از جمله سبقت‌جویی در سلام کردن به دیگران را مستحب کرده و سپس نه تنها جواب سلام را در همان شکل سلام داده شده، واجب کرده، بلکه دستور داده تا به عنوان آداب اجتماعی، جواب بهتر و نیکوتری در پاسخ سلام داده شود. همچنین در اسلام برای ساماندهی این هنجار اجتماعی، فرمان داده شده است تا وارد به وارد شده، ایستاده به نشسته، سواره به پیاده، جمع اندک به جمع انبوه، کوچک‌تر به بزرگ‌تر و خطیب به مردم، پیش از خطبه سلام کرده و بر دیگران پیش‌دستی کنند.(العروة الوثقی، یزدی، ج۳، ص۲۶).

از نظر آموزه‌های قرآن، شتاب‌کردن در کارهای خیر و نیک بویژه اجتماعی به نیت تقرب الی الله امری بسیار پسندیده و نیک است؛ زیرا این کارها موجب آمرزش انسان می‌شود.(آل عمران، آیه ۱۳۳) این شتاب‌ورزی باید به گونه‌ای باشد که افراد برای انجام کارهای نیک و خیر با یکدیگر سبقت جسته و پیشگام باشند: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ(بقره، آیه ۱۴۸؛ مائده، آیه ۴۸) بلکه باید در راستای شتاب‌گیری و پیشگامی همانند اسب‌های مسابقه بتازند به گونه‌ای که نفس‌هایشان به شمار افتد: وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ؛ در راستای به دست آوردن آن، مسابقه‌کنندگان در مسابقه نفس‌گیر باید به نفس نفس بیفتند. (مطففین، آیه ۲۶)

از نظر قرآن، انسان‌ها باید در کارهای خیر به ابداع و نوآوری و ابتکار عمل دست بزنند و در این امور سنت‌آفرین باشند تا نه تنها به عنوان اولین‌ها در کاری خیر بلکه در سنتی خیر مطرح باشند تا ثواب اعمال کسانی به او برسد که به تبع او به این سنت نیک و خیر عمل می‌کنند؛ چرا که اینها باقیات صالحات و آثار اعمال آنان است.(یس، آیه ۱۲؛ مریم، آیه ۷۶؛ کهف، آیه ۴۶)

البته سرعت یا سبقت غیر از عجله است؛ زیرا عجله به معنای انجام عملی پیش از زمان آن است؛ مانند کندن میوه کال غیر قابل استفاده پیش از آنکه برسد و قابل استفاده شود. اینکه گفته شده در نماز عجله کنید؛ یعنی پیش از آنکه وقت نماز برسد بروید مقدمات آن را انجام دهید تا هنگامه نماز جماعت در صف باشید و از فیض نماز اول وقت محروم نشوید.

به هر حال، عجله، سرعت و سبقت در کارهای خیر و نیک خوب است و انسان باید برای انجام کارهای خیر تلاش کند و جزو نه تنها اولین‌ها بلکه پیشگامان در حوزه کارهای خیر و نیک باشد و به عنوان سابقون مطرح شود(توبه، آیه ۱۰۰)؛ زیرا سابقون در کارهای خیر، از نظر منزلت و مکانت و مقام به خداوند نزدیک هستند: وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ؛ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ؛ و سبقت‌گیرندگان پیشتاز و پیشگام، آنان همان مقربان هستند.(واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱)

البته در هر گروه اجتماعی بویژه در دوران‌های نزدیک به قیامت مانند دوران آخر زمانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، چنین افرادی بسیار اندک هستند.(واقعه، آیه ۱۴) شاید دلیل آن این باشد که سنت‌های نیک به وسیله پیشینیان سامان یافته و دیگر سنت‌سازی کارهای خیر از نظر کمیت اندک است؛ یا آنکه مردم کمتر به سنت‌سازی کارهای خیر و پیشگامی در آن اقدام می‌کنند و بیشترین توجه به انجام فعالیت‌های عادی و یا شتاب‌گیری در امور است نه سبقت‌جویی و ابتکار و ابداع و مانند آنها.

همچنین برخی از مردم به جای آنکه در کارهای خیر و نیک سرعت بگیرند، در کارهای کفرآمیز، شرور و بدی‌ها، تجاوزات و گناهان پیشگام هستند : يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ(مائده، آیات ۴۱ و ۵۲ و ۶۲؛ آل عمران، آیه ۱۷۶) و نیز می‌فرماید: وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی و حرامخواری خود شتاب می‌کنند، واقعا چه اعمال بدی انجام می‌دادند. (مائده، آیه ۶۲) این افراد حتی بر آن هستند تا در کفر و زشتکاری خویش پیشگام باشند و بر همگان حتی بر خدا سبقت بگیرند. (انفال، آیه ۵۹؛ عنکبوت، آیه ۳۹)

این آیات بیانگر آن است که نفس سرعت و سبقت، خیر و خوب و امری ارزشی نیست؛ بلکه بسته به متعلق آن است که امری ارزشی یا ضدارزشی می‌شود؛ پس سرعت و سبقت در کارهای نیک، پسندیده و امری ارزشی است؛ در حالی که سرعت و سبقت در کفر و کارهای زشت ضدارزشی است.

انسان به اختیار خودش می‌تواند در هر کار خوب و بدی شتاب گیرد و پیش تازد.(مدثر، آیات ۳۶ و ۳۷) ولی توصیه خدا این است که در کارهای خیری(بقره، آیه ۱۴۸؛ مائده، آیه ۴۸) چون اسلام(انعام، آیات ۱۴ و ۱۶۲ و ۱۶۳)، ایمان(اعراف، آیه ۱۴۳؛ شعراء، آیه ۵۱؛ زخرف، آیه ۸۱)، جهاد در راه خدا(انفال، آیات ۷۴ و ۷۵)، کمک به دیگران، توبه و استغفار(واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱)، احسان و اکرام(حدید، آیه ۱۰؛ انسان، آیات ۵ تا ۸) و مانند آن جزو اولین‌ها و پیشگامان باشیم؛ نه در کفر(بقره، آیات ۴۰ و ۴۱) و فسق و فجور و ظلم و ستم و گناه (مائده، آیه ۶۲) و تجاوزگری(همان)، لواط و هم‌جنس‌گرایی (اعراف، آیه ۸۰) و دوستی با دشمنان از اهل کتاب. (مائده، آیه ۵۲)

سنت و سیره انسان‌های برگزیده، صالح و مومن این است که آنان همواره در کارهای خیر شتابگیر و پیشگام هستند.(مومنون، آیه ۵۸ و ۶۱؛ فاطر، آیه ۳۲)

امام حسین(ع) در تشویق مردم به رقابت در مکارم اخلاقی و پیشتازی و شتاب‌ورزی در غنیمت گرفتن با کارهای خیر می‌فرماید: أَيُّهَا النَّاسُ! نافِسوا فِي المَكارِمِ وَ سارِعوا فِي المَغانِمِ؛ای مردم! در انجام کارهای نیک بر یکدیگر سبقت بگیرید و در سود بردن از پاداش‌های اخروی شتاب به خرج دهید. (کشف الغمّه، ج۲، ص۲۹)

چنانکه گفته شد، عجله انجام عملی پیش از زمان انجام آن است که در برخی از کارها عجله کار شیطان نیست، بلکه عمل ایمانی است؛ اما در برخی از کارهای عجله کار شیطان است؛ مانند درخواست چیزی پیش از زمان آن، مناسب برای شخص نیست. به هر حال، در کارهای خیر باید عجله ورزید به شرطی که به اصل کار ضرری نرساند؛ از همین رو پیامبر(ص) نیز عجله در قرائت آیات می‌کرد که این عمل از روی علاقه شدید ایشان به مردم و حل مشکلات آنان بوده است. خداوند می‌فرماید: وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ؛ در قرائت قرآن بر مردم پیش از آنکه وحی آن نیامده و حکم به قرائت نداده عجله مکن!(طه، آیه ۱۱۴) رسول خدا (ص) درباره عجله در کارهای نیک و خیر می‌فرمایند: «ان الله یحب من الخیر ما یعجل، خداوند کار نیکی را دوست دارد که با سرعت انجام شود.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۲)

خداوند همچنین می‌فرماید: وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى؛ و خدا را در روزهایی معین یاد کنید. پس هر کس عجله کند و اعمال را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هر که تاخیر کند و اعمال را در سه روز انجام دهد، گناهی بر او نیست. این اختیار برای کسی است که تقوای الهی پیشه کرده و نخواهد خلاف شریعت عمل کند.(بقره، آیه ۲۳۰)

امام صادق(ع) می‌فرماید: من همّ بخیر فلیعجله و لا یؤخره، کسی که تصمیم به کار نیکی می‌گیرد، باید در آن شتاب کند و تاخیر نیندازد.»

از نظر آموزه‌های قرآن، شتاب‌کردن در کارهای خیر و نیک بویژه اجتماعی به نیت تقرب الی الله امری بسیار پسندیده و نیک است؛ زیرا این کارها موجب آمرزش انسان می‌شود.

در اسلام معاشرت و ارتباط با مومنان بویژه عالمان صالح مورد تاکید و توجه است؛ زیرا چنین مجالست‌ها و معاشرت‌ها موجب تقویت روحیه ایمان افراد و کارهای خیر می‌شود. کسانی که با این دسته از افراد ارتباط اجتماعی دارند، ازکارهای خیر آگاه و برای انجام آن پیشتاز و پیشگام می‌شوند.

اجتماعی شده است. کسی که زائر است گویی از همه کس و همه چیز دل‌کنده و به سبب گرایش و میل باطنی قصد دیدار زیارت‌شونده را می‌کند. در باطن این واژه از باب تضمن می‌توان عناصری چون دل کندن از اغیار، گرایش شدید به زیارت‌شونده، قصد آگاهانه و عالمانه، انس و اکرام با او نهفته است.(معجم مقاییس اللّغه، ج ۳، ص ۳۶، «زور»؛ المصباح، ج ۱ - ۲، ص ۲۶۰، «زور»).

اگر انسان به زیارت مردگان در قبرستان می‌رود، به این نکته توجه دارد که نوعی علاقه شدید در اوست که او را به همنشینی با او کشانده است. درک این معنا که او می‌بیند و می‌شنود و پاسخ می‌دهد و حضور، او در عالم برزخ هیچ مانعی در سر راه این ارتباط نیست، او را به قبرستان می‌کشاند. هر چند که به ظاهر هیچ ارتباط ظاهری رخ نمی‌دهد، ولی فراتر از ارتباط ظاهری یک ارتباط قوی میان زیارت‌کننده و زیارت‌شونده پدید می‌آید. هر دو می‌توانند از آثار این ارتباط بهره‌مند شوند.

در اسلام معاشرت و ارتباط با مومنان بویژه عالمان صالح مورد تاکید و توجه است؛ زیرا چنین مجالست‌ها و معاشرت‌ها موجب تقویت روحیه ایمان افراد و کارهای خیر می‌شود. کسانی که با این دسته از افراد ارتباط اجتماعی دارند، ازکارهای خیر آگاه و برای انجام آن پیشتاز و پیشگام می‌شوند. (کهف، آیات ۶۰ تا ۶۶؛ حجرات، آیات ۳ تا ۵)

در زیارت قبور این افراد نیز انسان به سبب ارتباطی که با عالم برزخ می‌گیرد می‌تواند از امدادهای غیبی آنان برخوردار شود و گام‌های بلند در کارهای خیر و نیک بردارد؛ زیرا این حضور، قلب را از دنیا به آخرت سوق می‌دهد و انسان را به انجام اعمال خیر و نیک به عنوان باقیات صالحات ترغیب می‌کند.

اصولا معاشرت‌ها و زیارت‌ها در اجتماع به شکل معروف و پسندیده نه تنها انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد بلکه موجب می‌شود تا مشکلات اجتماعی کاهش یابد و افراد با همکاری در کارهای خیر و تقوا(مائده، آیه ۲) بتوانند به هنجارسازی جامعه و حذف نابهنجاری‌ها از جامعه بپردازند.(همان)

غبطه خوردن بر پیشگامان خیر

انسان نباید در کارهای خیر بگذارد دیگران بر او سرعت و سبقت گیرند؛ ولی درعین حال نباید بر پیشی‌گیرندگان حسادت ورزد و کینه آنان را به دل گیرد، بلکه باید به جای حسادت، غبطه بخورد و از خدا بخواهد بدون آنکه از ثواب اعمال آنان بکاهد به او توفیق دهد تا خود نیز در این کارها پیشتاز و پیشگام باشد. امام علی(ع) می‌فرماید: أَغبَطُ النّاسِ المُسارِعُ إِلَى الخَيراتِ؛ شایسته‌ترین مردم که مورد غبطه قرار گیرد کسی است که برای انجام کار خیر سبقت می‌گیرد.(تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۱۰۵، ح ۱۸۷۳)

آن حضرت همچنین می‌فرماید: إنّ المَغبونَ مَن غُبِنَ عُمرَهُ وَ إنّ المَغبوطَ مَن أنفَذَ عُمرَهُ فی طاعَةِ رَبِّه؛ زیانکار کسی است که عمرش را بیهوده تلف کند، و کسی که عمر خود را در اطاعت خدا بگذراند شایسته است مورد غبطه قرار گیرد.(تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۶۰، ح ۳۰۶۱)

پیامبر(ص) می‌فرماید: رَأَى مُوسَى رَجُلًا عِنْدَ الْعَرْشِ فَغَبَطَهُ بِمَكَانِهِ فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ كَانَ لَا يَحْسُدُ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ حضرت موسی(ع) مردی را نزد عرش دید و به جایگاه او غبطه خورد و در مورد او سؤال کرد. به او گفته شد که او به آنچه خداوند از فضل خود به مردم داده است حسد نمی‌برد.(مشکة الانوار، ص ۳۱۰؛ همچنین روضة الواعظین، چاپ قدیم، ج ۲، ص۴۲۴)

امام صادق(ع) می‌فرماید: مَن كانَ آخِرُ يَومَيهِ خَيرُهُما فَهُوَ مَغبوطٌ؛ کسی که امروزش بهتر از دیروزش باشد، شایسته است که مورد غبطه قرار گیرد.(معانی الأخبار، ص ۳۴۲)

در اسلام معاشرت و ارتباط با مومنان بویژه عالمان صالح مورد تاکید و توجه است؛ زیرا چنین مجالست‌ها و معاشرت‌ها موجب تقویت روحیه ایمان افراد و کارهای خیر می‌شود. کسانی که با این دسته از افراد ارتباط اجتماعی دارند، ازکارهای خیر آگاه و برای انجام آن پیشتاز و پیشگام می‌شوند.

جهیزیه ساده حضرت زهرا (س)

بابک شکورزاده

ازدواج امیرالمؤمنین (ع) و حضرت فاطمه (س) به عنوان ازدواج دو شخصیت معصوم و برترین مخلوقات عالم هستی، بعد از نبی اکرم(ص) ابعاد مختلفی برای الگوپذیری دارد؛ هر چند که نه احدی می‌تواند به عظمت ایشان معرفت پیدا کند و نه توان این را دارد که مانند ایشان شود؛ بلکه بحث در این است که از این بزرگواران الگو بپذیریم و به شمه‌ای از سیره ایشان متمسک شویم.

***

ساده زیستی و مهریه پایین

ساده زیستی، قناعت و مهریه کم از شاخصه‌های مهم اقتصادی این ازدواج با برکت است که حقیقتا جای الگوپذیری دارد و متأسفانه جای خالی آن در جامعه امروز محسوس است. البته این بدان معنا نیست که اثری از ساده زیستی و مهریه پایین اصلا در ازدواج‌ها وجود ندارد؛ بلکه وضعیت موجود در تراز جامعه اسلامی و مردمی که ادعای محبت و پیروی از اهل بیت را دارند نیست.

قول مشهور در باب مهریه حضرت زهرا(س) این است که مهریه ایشان ۵۰۰ درهم بوده که به مهر السنه مشهور است. ۵۰۰ درهم را با هر قاعده‌ای به

قول مشهور در باب مهریه حضرت زهرا(س) این است که مهریه ایشان ۵۰۰ درهم بوده که به مهر السنه مشهور است. ۵۰۰ درهم را با هر قاعده‌ای به نرخ امروز محاسبه کنیم قطعا اختلاف زیادی با مهریه‌های سرسام‌آوری دارد که در جامعه فراگیر شده است.

نرخ امروز محاسبه کنیم قطعا اختلاف زیادی با مهریه‌های سرسام‌آوری دارد که در جامعه فراگیر شده است.

اصولا مهریه پایین در احادیث از ویژگی‌های زن با برکت و مهریه بالا از شومی زن شمرده شده است. (من لا یحضره الفقیه،ج۳،ص۳۸۷)

جهیزیه حضرت زهرا از فروش زره امیر مؤمنان تهیه شد که برخی از آنها عبارت بود از

۱- یک پیراهن به قیمت هفت درهم
۲- روسری(خمار) به قیمت چهار درهم
۳- رو انداز(قطیفه) مشکی خیبری

ملاک الگو پذیری از ائمه (ع)، ساده زیستی و قناعت کردن به حداقل‌هایی است که برای یک زندگی مشترک لازم است و البته‌درهر عصر و زمانی متناسب با شرایط متغیر است.

۴- تختی که وسط آن را با لیف خرما بافته بودند.
۵- دو عدد تشک با روکشی از کتان مصری که یکی از آنها با لیف خرما و دیگری با پشم گوسفند پر شده بود.
۶- چهار بالش- یا متّکا، یا پشتی- با رویه‌ای از پوست حیوانات طائف که درون آنها از علف اذخر (گیاه خشک و سبز رنگی شبیه کاه و نرم‌تر از آن است که دارای بوی خوش نیز می‌باشد) پر شده بود.
۷- پرده‌ای از جنس پشم
۸- حصیری بافت یمن
۹- یک آسیای دستی
۱۰- طشت مسی
۱۱- مشک آبی از جنس پوست
۱۲- ظرف مخصوص شیر که از جنس چوب می‌تراشیدند.
۱۳- ظرفی برای آبخوری
۱۴- ظرفی قیراندود برای شستشو
۱۵- سبویی سبز رنگ که در آن روغن، آرد یا چیزهای دیگر نگهداری می‌کردند.
۱۶- دو کوزه کوچک سفالی. (امالی طوسی/ ص۴۱)

البته همچنان‌که واضح است، ملاک الگو پذیری، ساده زیستی و قناعت کردن به حداقل‌هایی است که برای یک زندگی مشترک لازم است و البته‌درهر عصر و زمانی متناسب با شرایط متغیر است.

الگوپذیری در بندگی خدا

رسول خدا (ص) از علی (ع) پرسید: همسرت چگونه زنی است؟

امیر مؤمنان(ع) عرض کرد: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛ خوب یاوری است برای اطاعت از خدا.»

رسول خدا(ص) همین سؤال را از حضرت فاطمه (س) پرسید و ایشان عرض کرد: شوهری خوب و شایسته است. سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برای آنها دعا کرد و فرمود: خداوندا! در میان آنها الفت برقرار نما، و آنان و فرزندانشان را نعمت بهشت نصیب کن، به آنها فرزندانی پاک، طیّب و مبارک روزی نما و در ذرّیه آنها برکت قرارداده و آنها را امامانی هدایتگر به سوی اطاعت خود قرار ده و آنان را به آنچه که رضایت تو در آن است راهنمایی فرما. (مناقب آل ابی‌طالب/ج۳/ص۳۵۶)

یکی از نکات مهم در روابط زن و شوهر همین نکته است که تا چه اندازه می‌توانند در عبادت و بندگی خدا یاور یکدیگر باشند. البته عبادت فقط منحصر به نماز و روزه و ذکر و مواردی از این قبیل نیست؛ بلکه در شئون مختلف می‌تواند مصداق داشته باشد؛ مثلا مرد در حفظ حجاب زن می‌تواند نقش مثبتی ایفا کند و اگر احیانا همسرش آن طور که شایسته است مقید حجاب نیست با امر به معروف سبب شود که نسبت به این مسئله اهتمام بیشتری داشته باشد.

ساده زیستی، قناعت و مهریه کم از شاخصه‌های مهم اقتصادی ازدواج امیرالمؤمنین (ع) و حضرت فاطمه(س) است که حقیقتا جای الگوپذیری دارد و متأسفانه جای خالی آن در جامعه امروز محسوس است.

از طرفی زن می‌تواند با قناعت و نداشتن توقعات بی‌مورد سبب شود که شوهرش آلوده به مال حرام نشود؛ چرا که یکی از دلایلی که مرد به سمت کسب درآمد حرام می‌رود، درخواست‌های بیش از حد و بعضا نامتعارفی است که از طرف همسرش متحمل می‌شود. اینها همه می‌تواند مصادیقی از کمک در بندگی خدا باشد.

از: خبرگزاری رسا

چراغ راه

پیروی از قدرت‌طلبان ممنوع!

قال الامام‌الصادق(ع) فرمود: «من طلب الرئاسة بغیر حق، حرم الطاعة له بحق»

امام صادق(ع) فرمود: کسی که دنبال ریاست و مقام و جاه برود، بدون اینکه حق بوده باشد، اطاعت و پیروی از او حرام بوده، از آن نهی شده است. [1]

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۵

حکایت خوبان

شهادت امام‌حسن(ع) برای عروس خلیفه شدن

در بیشتر منابع شیعی آمده است که معاویه با وعده مال بسیار و ازدواج بایزید، جعده را تطمیع کرد تا شوهرش امام‌حسن(ع) را زهر دهد تا همسر فرزند خلیفه گردد و ثروت زیادی را به دست آورد.

«جعده» دختر اشعث بن قیس گمان می‌کرد، همین که امام‌حسن(ع) را از میان برداشت، با ثروتی زیاد عروس خلیفه وقت می‌شود و همه چیز تمام است. تا اینکه روزی امام‌حسن(ع) روزه بود، جعده زهری را که از معاویه گرفته بود در شیر ریخت و در هنگام افطار به امام داد. امام‌حسن(ع) مقداری از آن را نوشید و بلافاصله زهر را احساس کرد و فرمود: «انا لله و انا الیه راجعون». جعده پس از زهر دادن به امام‌حسن(ع) مورد نفرین آن حضرت قرار گرفت و هیچ‌گاه به آرزوی عروس خلیفه شدن خود نرسید. زیرا معاویه به او گفت: می‌ترسم آنچه را درباره مسموم کردن فرزند رسول خدا(ص) رواداشتی درباره فرزند من انجام دهی. [1]

۱- شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۱۱

پرسش و پاسخ

رابطه طول امل با برنامه‌ریزی

پرسش:

آیا طول امل یا آرزوی دراز که در روایات از آن نهی شده است، با برنامه‌ریزی برای آینده منافات دارد؟

پاسخ:

در پاسخ به این سؤال به ذکر چند نکته کلیدی بسنده می‌کنیم:

۱- اولاً طول املی که در روایات و دعاها و حتی قرآن کریم نکوهش شده است، بدین معنا نیست که انسان در زندگی خودش برنامه‌ریزی برای آینده نداشته باشد چرا که در روایات دیگری بر این معنا تأکید شده است که ای انسان برای دنیای خودت آن‌گونه باش که گویی همیشه در دنیا زنده هستی «کن لدنیاک کانک تعش ابداً» بنابراین انسان مؤمن باید برای زندگی هر روز خودش برنامه داشته باشد، اعم از برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، و حتی چشم‌انداز و همت عالی در روایات مورد تأکید قرار گرفته است. در روایتی امام صادق(ع) می‌فرماید: سه چیز است که مانع از رشد و تعالی انسان می‌شود: ۱- کوتاهی همت ۲- کمی چاره‌اندیشی و تدبیر ۳- ضعف در تصمیم‌گیری (تحت العقول- امام صادق(ع)

بنابراین لازم است انسان مؤمن برای خودش و خانواده‌اش برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف داشته باشد و هم جامعه اسلامی که برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان مدت و دراز مدت و چشم‌انداز برای آینده و پیشرفت و تعالی خود طراحی نماید.

۲- طول املی که در آموزه‌های اسلامی از آن نهی شده به معنی بی‌توجهی به دنیا و عدم استفاده از امکانات دنیوی برای رسیدن به اهداف نیست، بلکه بدین معنا است که انسان مؤمن نباید وابستگی به دنیا و حب دنیا پیدا کند و با آرزوهای طولانی مادی و دنیوی تمام اکبر هم خود را معطوف به دنیا نماید و از امور معنوی و آخرت غافل بماند. بنابراین طول امل به معنی هدف قرار ندادن دنیا و غفلت از آخرت است نه عدم توجه به دنیا و علل و اسباب دنیوی برای رسیدن به اهداف و کمالات فرد و جامعه اسلامی. از این رو تلاش برای بدست آوردن دنیا خوب است به شرط آنکه دنیا اصل و هدف قرار نگیرد. همان گونه که در دعا هم آمده است: «ولا تجعل الدنیا اکبر همنا» خدایا دنیا را اکبرهم و غم ما قرار مده!»

۳- نکته کلیدی پایانی تو (زن میان دنیا و آخرت در سلوک فردی و اجتماعی مؤمن است. بدین معنا که هر چقدر انسان مؤمن در امور دنیوی تلاش و مجاهدت می‌کند، و قدرت اقتصادی و مادی بیشتری را بدست می‌آورد به همان نسبت ضرورت دارد در امور معنوی نیز تلاش نماید، تا از امور آخرتی غافل نشود و خدای ناکرده دنیا را هدف غایی خود قرار ندهد و شیفته و فریفته دنیا نشود. بنابراین توازن میان قدرت اقتصادی و قدرت معنوی انسان را در مسیر صراط مستقیم الهی قرار می‌دهد و حسنات دنیا و آخرت را نصیب او می‌گرداند. «ربنا اتنا فی‌الدنیا حسنة و فی‌الاخرة حسنه» نکته اساسی در این رابطه نفی یک سونگری به دنیا و آخرت است که نه آخرگرایی مطلق و گریز از دنیا و زهد منفی در این رابطه و نه دنیاگرایی مطلق و پرستش دنیا و غفلت از آخرت هیچ کدام راه سعادت انسان و کمالات همه‌جانبه او نخواهد بود، در نهایت او را به وادی انحطاط و سقوط از ارزش‌ها و تعالی فردی و اجتماعی خواهد کشاند.

سلوک عارفانه

با بیان نعمت‌های الهی شکر آن را بجا آوریم

(بدان ای سالک راه حق!) این نعمت‌هایی که خدای تبارک و تعالی به آنها عنایت فرموده است، قدردانی کنیم و قدردانی کنند. خداوند به همه عالم نعمت فراوان داده است و قابل احصا نیست. و ما هم قدرت بر اینکه احصا کنیم نعمت‌های خدای تبارک و تعالی را نداریم. لکن «و اما بنعمه ربک فحدث» (ضحی - ۱۱) تا آن اندازه‌ای که می‌توانیم... ما امروز غرق در نعمت‌هایی هستیم که نمی‌توانیم، آن نعمت‌ها را شکرگزاری کنیم. [1]

۱- صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۶۸

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir